

ایران در شرق هم مؤتلف چین می‌شود؟

ایران و چین: یک جاده اشتراک، هزار راه نرفته

فرهیختگان | بعدازظهر جمعه بود که رسانه‌ها خبر از گفت‌وگوی یک‌ساعته روسای جمهور ایران و چین پرداخته‌اند. این گفت‌وگوی تلفنی، دومین مکالمه غیرحضورى دو رئیس‌جمهور از ابتدای روی کار آمدن دولت سیزدهم در ایران بود. اما آنچه این گفت‌وگو را از یک تماس تلفنی معمولی و رایج میان مقامات کشورها متمایز می‌کند، در دو نکته اصلی خلاصه می‌شود. نکته نخست مقطعی است که این گفت‌وگو در آن صورت گرفته و نکته دوم آن بخش از محتوایی است که هم شی جین‌پینگ و هم سیدابراهیم رئیسی بیش از سایر موارد مورد گفت‌وگو بر آن تاکید داشته‌اند. درخصوص مقطع تاریخی فعلی می‌توان گفت نظام بین‌الملل روزهایی را تجربه می‌کند که تنش‌های موجود میان آمریکا و قدرت‌هایی همچون چین و روسیه به‌حالت حداکثری خود طی چندسال گذشته رسیده است. علاوه‌بر آن جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای که تحت‌شدیدترین تحریم‌های آمریکااست، با تغییر دولت رویکردی جدید را در سیاست خارجی خودمحور قرار داده که درنتیجه آن روابط تهران با پکن و مسکو به‌سمت راهبردی شدن حرکت کرده است. رویکردی که علاوه‌بر راهبردی‌تر کردن روابط ایران با متحدان و قدرت‌های جهانی، افزایش سطح تعاملات تهران و پایتخت‌های همسایه را نیز هدف خود درنظر گرفته است. موضوعی که دولت آمریکا را بیش از هر دولت دیگری با نگرانی و خشم مواجه کرده و مقامات این کشور را به تلاش برای ایجاد مانع در این روابط به‌خصوص روابط ایران-چین، ایران-روسیه و چین-روسیه واداشته است. تلاشی که یکی از نشانه‌های آن، سفر بی‌دست‌آورد بایدن به غرب آسیا بود.

اما درخصوص دومین نکته این گفت‌وگوی تلفنی باید گفت آنچه در این مکالمه میان روسای جمهور دو کشور ردوبدل شد و موردتوجه قرار گرفت، علاوه‌بر تاکیدات دوطرف بر لزوم تعمیق روابط دوجانبه که امری رایج در تماس‌های تلفنی روسای جمهور کشورهاست، ادبیاتی بود که جین‌پینگ و رئیسی در گفت‌وگوی خود به کار برده‌اند، یعنی فارغ از مباحث مرتبط با برنامه ۲۵ ساله توسعه روابط راهبردی دو کشور و اشاره به مساله مهمی همچون همکاری‌های تجاری دو کشور که توجه به مسیر ترانزیتی یک کمربندی-یک‌جاده را هم شامل می‌شود، به کار بردن عبارتی مثل نظام نوظهور بین‌المللی و همکاری مستقلانه و عبارتی مشابه آن است که حساسیت غربی‌ها به‌خصوص آمریکا را بیش از قبل برمی‌انگیزد.

در این گفت‌وگو با تأکید بر عزم جمهوری اسلامی

اینتکار یک کمربندی- یک جاده چین و ظرفیت ترانزیتی غیرقابل انکار ایران

اهمیت روابط دوجانبه و چندجانبه ایران، چین و روسیه، زمانی دوجندان می‌شود که بدانیم دولت‌های این سه کشور، هرکدام به یک نوع با دولت آمریکا در تقابلی جدی، چندجانبه و البته آشکار قرار دارند. به همین دلیل است که دولت‌های آمریکا از سال‌ها قبل تاکنون مترصد فرصت‌هایی



بوده‌اند که مانع راهبردی شدن ارتباطات تهران-پکن و تهران-مسکو شوند. اما امروز و در شرایطی که دولتی جدید در ایران روی کار آمده و آمریکا نیز هنوز موفق نشده از طریق مذاکره، مانع سرعت پیشرفت ایران در زمینه‌هایی مثل توانمندی دفاعی، قدرت منطقه‌ای و دستاوردهای هسته‌ای شود، ایران با تعریف چهارچوب‌هایی جدید در سیاست خارجی خود، رویکرد خنثی‌سازی آثار تحریم‌های آمریکا را درپیش گرفته، ازجمله نتایج این رویکرد تعمیق روابط دو و چندجانبه موجود میان ایران و سایر قدرت‌های جهانی همچون چین است.

ریل گذاری جدید ایران و تبدیل پروژه «منزوی شدن تهران» به یک «رویای آمریکایی» صرف

توجه بیش‌ازپیش به ظرفیت‌های ترانزیتی ایران به‌نوعی از ملزومات دیگر دست‌ورکار مهم دستگاه دیپلماسی کشور، یعنی راهبردی شدن روابط با کشورهای متحد محسوب می‌شود. استراتژیک یا راهبردی شدن روابط ایران با دیگر قدرت‌ها به آن معنا که منافع مشترک به‌قدری تنگاتنگ و درهم‌تنیده تعریف شود که کشور مقابل حتی اگر تحت‌فشار آمریکا، رژیم‌صهیونیستی یا دیگر دولت‌ها مجبور به کاهش دادن سطح روابط شود، این اقدام برای آن دولت با هزینه‌های جبران‌ناپذیری همراه باشد.

اگر بخواهیم در یک جمله گوشه‌ای از دستاوردهای این رویکرد را مورد اشاره قرار دهیم، باید گفت درنتیجه حاکمیت حداکثری این نگاه بر تمام اقدامات دستگاه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در بلندمدت، منزوی کردن تهران برای واشنگتن و مقامات رژیم‌صهیونیستی به‌روایی دست‌نیافتنی تبدیل خواهد شد.

راه پیش‌رو؛ محور قرار دادن سیاست خنثی‌سازی تحریم در عین توجه به مذاکرات

اماراهی که ایران در شرایط کنونی و با روی کار آمدن دولت جدید پیش‌روی خود می‌بیند به‌گواه کارشناسان، از رهگذار تداوم دیپلماسی هوشمندانه می‌گذرد؛ سیاستی که در عین موردتوجه قرار دادن اهمیت مذاکره با کشورهای ۴+۱ بر سر رفع تحریم‌ها، توجه بیش‌ازپیش به ظرفیت موجود در روابط ایران-کشورهای همسایه و ایران-قدرت‌های منطقه‌ای را هم در دستورکار قرار داده است. پیش‌تر در صفحه اقتصادی «فرهیختگان» (۳۰ خرداد ۱۴۰۱) با عنوان «رشد ۹۶ درصدی صادرات به همسایه‌های ایران» به بررسی کیفیت تغییر ریل صورت‌گرفته در سیاست خارجی کشور پرداختیم که بعد از روی کار آمدن دولت جدید و محور قرار دادن افزایش سطح تعاملات با کشورهای همسایه اتفاق افتاد. در آن گزارش ضمن ارائه آماری که حکایت از رشد ۹۶ درصدی صادرات ایران به کشورهای همسایه داشت، به عواملی پرداختیم که این رشد ۲۱ میلیارد دلاری در هشت‌ماه اول دولت رئیسی نسبت به مدت مشابه در دولت روحانی را رقم زده است. نکته مهم‌تر آنکه به‌گواه اغلب کارشناسان، مسیر طی شده در ۱۱ ماه گذشته (از ابتدای شهریور ۱۴۰۰ تاکنون) یکی از درست‌ترین رویکردهای دستگاه سیاست خارجی ایران در مواجهه با تحریم‌های هم‌جانبه غرب طی چندین سال گذشته است؛ سیاست تعامل حداکثری با قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی و همچنین توسعه ارتباطات با کشورهای همسایه، در عین معطل نماندن مسائل کشور برای نتیجه مذاکرات هسته‌ای. علاوه بر آن تلاش دستگاه دیپلماسی در ۱۱ ماه گذشته از آغاز به کار کابینه دولت سیزدهم- همان‌طور که در بخش قبل نیز به آن اشاره شد-متمرکز بر راهبردی کردن روابط ایران با کشورهای متحد بوده است. به این معنا که کیفیت تعاملات با گونه‌ای تنظیم شود که تحریم‌های غرب و کارزار فشار حداکثری آمریکا نتواند مانع توسعه آن در سطح کلان شود. درنهایت باید منتظر ماند و دید غرب به‌خصوص کشورهای متحد آمریکا تا چه زمان می‌توانند با ادبیات تهدید و ابزار تحریم به تلاش برای جلوگیری از توسعه روابط ایران با سایر کشورها بپردازند.

در ادامه، به گفت‌وگو با یکی از کارشناسان ارشد مسائل بین‌الملل پرداخته‌ایم. نوذر شفیع، کارشناس مسائل بین‌الملل در گفت‌وگو با «فرهیختگان» از ظرفیت‌های موجود در روابط میان تهران و پکن گفته و دو کشور را در مقطع کنونی و در شرایط فعلی حاکم بر نظام بین‌الملل نیازمند تعمیق روابط دوجانبه عنوان کرده است. متن این گفت‌وگو را می‌خوانید.

نوذر شفیع، کارشناس مسائل بین‌الملل در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

چینی‌ها رویارویی با آمریکا را اجتناب‌ناپذیر می‌دانند

روسیه درگیر باشند و در این درگیری نیز ایران از وضعیت «احساس نیاز استراتژیک قدرت‌ها» در راستای منافع ملی خودش استفاده کند. درست مشابه کاری که تقریباً ترکیه دارد در مواجهه با قطب‌های جهان انجام می‌دهد.

ایران پیش از این به‌دلیل تحریم‌های سازمان ملل متحد و تحریم‌های آمریکا نتوانست در طرح یک کمربندی-یک جاده حضور داشته باشد، همچنان تحریم‌های آمریکا علیه ایران پابرجاست و همچنان قرار نیست طرح یک کمربندی-یک جاده از ایران بگذرد، با توجه به نزدیک شدن ایران به چین طی سال‌های گذشته آیا می‌توان امیدوار بود که در آینده نیز ایران سهمی از این طرح داشته باشد؟

ایران حتماً در ابتکار یک کمربندی-یک جاده نقش خواهد داشت. این نقش‌آفرینی به‌خاطر تلاش‌های دیپلماتیک ایران برای قرار گرفتن در این کمربندی نیست، بلکه نیاز چین به موقعیت و بازار ایران است که باعث می‌شود پکن کشورمان را در ابتکار یک کمربندی-یک جاده مشارکت دهد. منتها در بعضی کشورها این ابتکار با سرعت بیشتری حرکت کرده است و در بعضی کشورها با سرعت کمتر. اساساً این طرح به این دلیل که ابرپروژه است به‌کندی پیش می‌رود، به‌سبب این‌کندی و موقعیت ایران هنوز به شرایطی نرسیده‌ایم که متوقع باشیم طرح یک کمربندی-یک جاده اثر خودش را بر کشورمان نشان بدهد، به‌محض اینکه پایه‌های اولیه این پروژه در کشورهای هم‌جوار چین و کشورهای حلقه نخست مرتبط با طرح یک کمربندی-یک جاده زده شود به‌طور خودکار این پروژه در ایران هم شروع خواهد شد و آثار خودش را نمایان خواهد کرد، ضمناً این گونه نیست که چینی‌ها به ایران بیایند و بگویند قرار است طرح یک کمربندی-یک جاده را از یک نقطه خاص شروع کنیم و در یک نقطه خاص به اتمام برسانیم. هم‌اکنون سرمایه‌گذاری‌های چین در حوزه‌های مختلف مرتبط با انرژی در ایران با طرح‌هایی چون جاده تهران-شمال، و کریدور شمال به جنوب نیز بخشی از طرح یک کمربندی-یک جاده می‌تواند باشد. همه این موارد مانند تکه‌های پازلی است که در یک زمان مشخص به هم متصل می‌شوند و درنهایت عنوان دقیق‌تری به نام پروژه یک کمربندی-یک جاده پیدا می‌کنند. بنابراین سال‌هاست که این ابتکار در ایران و خیلی از کشورهای شروع شده، هرچند به این نام شناخته نشود. در پایان بحث ذکر این نکته ضروری است که توافقنامه ۲۵ساله ایران و چین می‌تواند یکی از نقاط برجسته مشارکت ایران در طرح یک کمربندی-یک جاده باشد.

را برای چین دارد و حتی به‌اندازه کل کشورهای عربی خاورمیانه برای چین ارزشمند است؛ چراکه ایران همه این مختصات را یکجا دارد. امارات متحده عربی و عربستان ممکن است سرمایه و انرژی داشته باشند اما سایر مختصات قدرت را ندارند. بنابراین چین به‌طور اجتناب‌ناپذیر هم برای قدرتمند شدن خودش و هم برای موفقیت در مقابل آمریکا و همین‌طور عبور موفقیت‌آمیز از این دوره گذار به‌طور اجتناب‌ناپذیر به ایران نیاز دارد و به همین خاطر شاهدیم طی سال‌های اخیر دیپلماسی چین بسیار روی ایران متمرکز است.

در شرایطی که ایران زیرفشار تحریمی آمریکا قرار دارد، چین روزانه ۷۰۰ هزار بشکه نفت از ایران می‌خرد، این اتفاق درحالی رخ می‌دهد که آمریکا بارها در مراداتی که با چین داشته است از این کشور خواسته مرادآتش را با ایران تعدیل کند. به نظر شما با وجود این فشار چرا چین همچنان حاضر به واردات نفت از ایران است؟ آیا این همکاری با ایران برای چین هزینه‌زا نخواهد بود؟

چینی‌ها رویارویی با آمریکا را اجتناب‌ناپذیر می‌دانند، در جهان بینی آنها تاریخ پایان ندارد و در گذر تاریخ جابه‌جایی قدرت امکان‌پذیر است، از نگاه چینی‌ها در این جابه‌جایی ممکن است تله پوسیده پیش بیاید، اما در جهان بینی آمریکایی تاریخ پایان‌پذیر است و در این فرآیند تاریخی ممکن است یک قدرت مسلط شود و در آینده نیز به سلطه خودش ادامه بدهد، چینی‌ها با توجه به جهان بینی که دارند خود را برای برخورد با شرایط آینده آماده می‌کنند. در این رویارویی داشتن متحدان مطمئن بیش از هر امر دیگری برای چینی‌ها ضروری است، چین مطلقاً به‌خاطر ایران با آمریکا نمی‌جنگد، چین فقط به‌خاطر خودش با آمریکا می‌جنگد و در این رویارویی نیز ایران را پشتوانه‌ای برای خودش می‌داند، بنابراین هیچ‌وقت نباید تصور کنیم که چین به‌خاطر ایران ممکن است با آمریکا درگیر شود و حتی در یک سطح پایین‌تر نباید گمان کنیم که ممکن است چین به‌دلیل همراهی با ایران حاضر است فشارهای سیاسی و اقتصادی زیادی را متحمل شود.

به‌محض اینکه فشارهای آمریکا روی چین کاهش پیدا کند، به‌همان میزان نیز سیاست‌های چین نسبت به ما اجبارآمیزتر می‌شود، بنابراین ایران نباید در این فکر باشد که روزی ممکن است در صورت درگیری بین چین و آمریکا، چین به‌عنوان متحد مطمئن کنارش قرار بگیرد، ایران باید به‌طور مستقل محاسبات سیاسی، نظامی و اقتصادی خودش را انجام بدهد.

بهترین شرایط برای ایران این است که قطب‌هایی مثل چین، آمریکا

نوظهور ممکن است علیه او دست به تهاجم نظامی برند. البته درگیری‌های نظامی یا تله پوسیده فقط یکی از سناریوهای محتمل است. سایر سناریوها نیز ممکن است اتفاق بیفتند. امروزه حادث‌ترین مساله‌ای که رابطه آمریکا و چین را به‌سمت برخورد پیش می‌برد بحث تایوان است. به‌عبارت‌دیگر تایوان یک دست‌انبر خوبی برای ایالات‌متحده آمریکا است تا بتواند محدودیت‌ها و جنگی را به چین تحمیل کند. به همین میزان تایوان یک مساله مناسب برای چین محسوب می‌شود تا با استفاده از آن شرایط اجمله‌جنگ را به ایالات‌متحده آمریکا تحمیل کند و سفر نانسئی پلوسکی (رئیس مجلس نمایندگان آمریکا) به تایوان نیز کاملاً دارد این فضا را به‌وجود می‌آورد. به‌هرحال واقعیت موجود این است که ساختار نظام بین‌الملل درحال تغییر است و هنگام تغییر ممکن است جنگ حادث شود. درطول تاریخ نزدیک به ۱۶ تغییر را شاهد بوده‌ایم که از این تغییرات ۱۲ مورد به جنگ منتهی شده‌اند. جنگ‌ها عمدتاً زمانی رخ داده که قدرت نوظهور از نظم سیاسی موجود ناراضی بوده و عدم وقوع جنگ نیز در زمانی بوده که قدرت نوظهور از نظم سیاسی حاکم راضی بوده است، مثل جابه‌جایی قدرت بین بریتانیا و ایالات‌متحده آمریکا در اواخر قرن ۱۸ و قرن ۱۹. بنابراین ما در یک شرایط تاریخی به سر می‌بریم و احتمالاً وزن امنیت بین‌الملل از این به بعد به‌سمت حوزه آسیا پاسیفیک انتقال پیدا خواهد کرد، یعنی جایی که آمریکا و چین مستقر هستند.

در نظم نوین جهانی و سازوکارهای همکاری بین کشورهای مزیت نسبی ایران چه چیزی است، آیا این مزیت می‌تواند کشورهایی همچون چین را قانع کند که در بلندمدت همکاری با ایران به‌عنوان یک کشور تحریم‌شده را ولو به قیمت ایجاد کدورت با آمریکا ادامه دهند؟

درباره ایران باید بگویم هرچه تعداد قطب‌ها بیشتر باشد آزادی عمل کشورهای کوچک و متوسط بیشتر است. دلیلش این است زمانی که کشورهای کوچک از ناحیه یک‌قطب تحت‌فشار قرار می‌گیرند، می‌توانند به‌سمت قطب دیگر حرکت کنند. بنابراین هرچه تعداد قطب‌ها بیشتر باشد، آزادی عمل ایران در عرصه بین‌المللی نیز بیشتر خواهد بود. در ارتباط با چین باید گفت که این کشور مجبور است به‌سمت ایران حرکت کند و این حرکت برای چین یک انتخاب نیست؛ چراکه چین اگر بخواهد این دوره گذار را با موفقیت طی کند نیازمند حامیانی است. این حامیان باید کشورهایی باشند که دارای موقعیت استراتژیک بوده و از توانمندی نظامی و اقتصادی برخوردار باشند و همچنین دارای منابع غنی باشند. ایران این ویژگی



علی مزروی

خبرنگار گروه سیاسی

به بهانه مکالمه تلفنی یک‌ساعته روسای جمهور ایران و چین در روز جمعه، به گفت‌وگو با نوذر شفیع، کارشناس مسائل بین‌الملل پرداخته‌ایم. این کارشناس مسائل بین‌الملل با تأکید بر ظرفیت‌های موجود در روابط دو کشور، تعمیق روابط تهران-پکن را از الزامات تقویت جایگاه ایران و چین در نظام نوین بین‌الملل دانست. شفیع همچنین چین و ایران را متقابلاً نیازمند گسترش روابط دوجانبه در زمینه‌های مختلف دانست و تلاش چین برای توسعه روابط خود با ایران را در این پازل عنوان کرد. در ادامه، متن این گفت‌وگو را می‌خوانید.

|||

جایگاه چین و مقابله‌اش با هژمونی آمریکا در نظم نوین جهانی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

امروزه یکی از نقاط عطف روابط بین‌الملل که گاهی اوقات از آن به‌عنوان یک بزنگاه یا پیچ تاریخی هم یاد می‌شود بحث انتقال قدرت است. به‌عبارت‌دیگر امروزه صحبت از تغییر در ساختار نظام بین‌الملل است. در اینجا زمانی که ما از ساختار صحبت می‌کنیم منظورمان این است که یک نوع جابه‌جایی قدرت درحال رخ دادن است. ساختار زمانی تغییر پیدا می‌کند که یک قدرت نوظهور پیدا شده و قدرت مسلط هژمون را به چالش می‌طلبد. امروز چین به‌عنوان یک قدرت نوظهور درحال به چالش کشیدن قدرت ایالات‌متحده آمریکااست. معمولاً این چالش در سه وضعیت ممکن است پیش بیاید، نخست زمانی که توانمندی ملی قدرت نوظهور به توانمندی ملی قدرت مسلط نزدیک می‌شود، دوم زمانی که توانمندی‌های ملی با هم برابر باشد و سوم گاهی اوقات هم زمانی که توانمندی ملی قدرت نوظهور از توانمندی ملی یک کشور هژمون مسلط عبور می‌کند. در هر سه حالت ممکن است اصطکاک‌هایی بین قدرت نوظهور و قدرت بزرگ به‌وجود بیاید. گاهی اوقات قدرت نوظهور به‌دلیل محدودیت‌هایی که قدرت هژمون برای او به‌وجود می‌آورد ممکن است حتی دست به جنگ علیه قدرت هژمونزند. برعکس هم این است که گاهی اوقات قدرت هژمون مسلط برای جلوگیری از قدرت‌یابی، قدرت

